

جبهه دوم

سحرگاه ششم ژوئن ۱۹۴۴ بزرگترین حمله در تاریخ نظامی جهان از دریا به خشکی به فرماندهی ژنرال امریکایی دوایت ایزنهاور (بعداً رییس جمهوری شد) شروع شد.

ساعت شش و نیم صبح ششم ژوئن حمله‌ی بی که از ماهها پیش طرح ریزی شده بود و آلمانها از آن آگاه بودند ولی محل آن را بدرستی نمی دانستند سواحل فرانسه را درهم کوفت. یکصد و پنجاه هزار سرباز از سه میلیون سرباز در مرحله اول با سه هزار قایق نفربر از یازده هزار قایقی که آماده شده بود در دریای سرد مانس تا سینه خود را به آب زدند و در چندین نقطه ایالت نورماندی در برابر آتش توپخانه ارتش رایش سوم در آوردگاه بی نظیری مقاومت کردند و هزاران تن از آنها در دم جان سپردند.

*** فریب دادن هیتلر /** فرماندهی متفقین با نقشه های غلطی که توسط سازمان مخفی ارتش پخش شده بود آلمانها را به اشتباه انداخت. در نقشه ها که هیتلر نمی دانست جعلی و ساختگی است محل پیاده شدن نیروهای متفقین بندر «گاله» در شمال غربی فرانسه در نظر گرفته شده بود. «پیشوا» مارشال رومل «روباہ صحرا» رامأمور کرده بود که دیواری از آتش در آن نقطه به وجود آورد و کیلومتر در کیلومتر سواحل فرانسه در آن محل را با بتون آرمه بسازد و میلیونها مین را در زمین پخش کند. چند ژنرال آلمانی به هیتلر گوشزد کرده بودند که متفقین ما را به اشتباه می اندازند و حمله در نورماندی صورت خواهد گرفت ولی «پیشوا» توصیه آنها را ندیده گرفت.

*** سربازان کاراتنی /** متفقین از مدتی قبل در «یورکشایر» (انگلستان) با کارتن هزاران سرباز ساخته بودند و طوری حرکت آنها را نشان می دادند که معمولاً باید در بندر «گاله» پیاده می شدند. هواپیماهای شناسایی آلمانی تصور می کردند آنها سربازان واقعی هستند. انحرافی که متفقین در افکار هیتلر به وجود آوردند موجب موفقیت سریع آنها در پیاده کردن نیرو در نورماندی گردید. قلب اصلی دفاع ارتش رایش سوم در «گاله» بود درحالی که به این نقطه هیچگونه حمله‌ی بی نشد. متفقین نام عملیات جبهه دوم را «اورلرد» (overlord) گذاشته بودند و محل حمله و ساعت محل از محرمانه ترین اسرار نظامی متفقین بود.

*** چتربازان /** در تمام روز ششم ژوئن سربازان تن ها مهمات و سلاح جنگی حمل کرده و در پنج نقطه ساحل نورماندی پیاده کردند. شب قبل از حمله هزاران چترباز با هواپیماهای بی موتور در نقاط مختلف پیاده شدند. باد شدیدی می وزید و بسیاری از چتربازان نتوانستند در محلی که قرار بود فرود آیند. معذالک عده بی همدیگر را یافته و موفق شدند در ارتش آلمان بی نظامی

ایجاد کنند. برخلاف آنچه متفقین فکر می کردند نیروهای آنها بامقاومت سختی روبرو نشدند زیرا ارتش رایش سوم کاملاً غافلگیر شده بود و قلب استحکامات خود را در بندر «گاله» قرار داده بود.

باوجود لشکرکشی عظیم متفقین که طی سالها برای پیاده شدن در سواحل فرانسه آماده می شدند از عجایب تاریخ نظامی است که هیتلر علیرغم جاسوسان زبردستی که داشت نتوانست به اهمیت فوق العاده این حمله پی ببرد و از ابعاد وسیع آن بی اطلاع ماند. هریک از ارتش ها در ساحلی که با «کد» (علامت رمز) تعیین شده بود پیاده شدند. انگلیسی ها سواحل «اسورد» (sword) و گلد (Gold) و کاناداییها جونو (Jono) و امریکایی ها «اومه ها» (OMAHA) و اوتا (UTAH) را تسخیر کردند.

*** زیر آتش / انگلیسی ها و کاناداییها زیر آتشی از توپخانه آلمانها قرار گرفتند هرچند که در پناه کشتی های جنگی بودند که با توپخانه دورزن استحکامات آلمانها را هدف گیری کرده بودند. سربازان انگلیسی و کانادایی علیرغم تلفات زیادی که دادند توانستند کنترل سواحل تسخیرشده را حفظ کنند.**

امریکاییها با پیشتازان لشگر ۳۵۲ آلمان روبرو شدند. در یک لحظه، حمله توپخانه آلمان به امریکاییها آنچنان شدید گردید که بسیاری از سربازان امریکایی اجباراً به سوی دریا عقب نشینی کردند. سرانجام امریکاییها دریافتند که بهترین تاکتیک پیشرفت و حمله است هرچند که تلفات آنها سنگین باشد زیرا اگر در ساحل باقی می ماند همه آنها نابود می شدند. ژنرال «نورمان کوتا» (NORMAN-COTA) امریکایی با جیب خود و زیر آتش سربازان آلمانی همه ساحل را طی کرد و سربازان را تشویق به ادامه پیشروی کرد.

*** دو هزار کشته / تسخیر ساحل «اوماها» به قیمت کشته شدن دو هزار سرباز امریکایی در یک روز تمام شد. با وجود اوج گرفتن نبرد هنوز هیتلر تصور می کرد این حمله اصلی نیست و حمله بزرگ در بندر «گاله» خواهد بود لذا دو لشکر مهم زرهی آلمان را به عوض فرستادن به نرماندی به «گاله» فرستاد.**

*** فرمانده جدید / زمانی هیتلر به اشتباه خود پی برد که نیروهای متفقین کاملاً در ساحل مستقر شده و در حال پیشرفت بودند. «پیشوا» مارشال «اروین رومل»، روباه صحرا را مأمور کرد که نیروهای متفقین را عقب راند.**

در نیمه روز سواحل نرماندی پرشده بود از تانکها، توپخانه و سربازان متفقین و سربازان که روی ساحل افتاده و غرق خون بودند.

رنج‌های ارتش آمریکا موفق شدند به یک توپخانه قوی آلمان که در یک بلندی قرار گرفته و امکان پیشرفت به آنها نمی داد دسترسی پیدا کرده و آن را خاموش کنند. از این پایگاه آلمانها بارانی از گلوله بر فراز سربازان امریکایی فرود می آوردند.

* **بمب افکنهای متفقین /** چند روز پیش از حمله بسیاری از شهرهای ساحلی فرانسه را که نیروی آلمان در آنها متمرکز شده بود، بمباران کردند. که خسارات زیادی به شهرهای فرانسه وارد آمد و هزاران فرانسوی جان خود را از دست دادند.

مورخان ششم ژوئن ۱۹۴۴ را طولانی ترین روز تاریخ نامیده اند متفقین انتقام ژوئن ۱۹۴۰ را از آلمانها گرفتند. در ماه ژوئن بود که آلمانها دهها هزار سرباز انگلیسی و فرانسوی را از بندر «دونکرک» در ساحل دریای مانش به دریا ریختند و سربازان انگلیسی با هزاران قایق و تخته های چوب به سوی انگلستان فرار کردند.

از دوم ژوئن هزاران سرباز متفقین با تجهیزات خود که هر کدام ۳۴ کیلو وزن داشت آماده حمله بودند و توفان شدید آن را به تأخیر انداخت.

پنجم ژوئن ساعت ۴ و ۱۵ دقیقه نبرد قهرمانانه شروع شد.

دوشنبه پنجم ژوئن ساعت چهار و پانزده دقیقه صبح ژنرال ایزنهاور فرمانده کل نیروهای متفقین در جبهه دوم گفت:
اوکی (OK) برویم.

ایزنهاور آخرین خبر درمورد هوا را از گروه سرگرد «استاک» رییس سرویس هواشناسی نیروی هوایی سلطنتی انگلستان گرفت. روز قبل توفانی که چهل قرن سابقه نداشت روی داد که نفرات مجبور شدند به بندر بازگردند و بدین ترتیب گشایش جبهه دوم یک روز به تأخیر افتاد. ارنست همینگوی روزنامه نگار و نویسنده نامدار امریکایی می نویسد از بندر «پلیموت» تا «نیوهاون» قایقهایی که شبیه تابوت بودند صف کشیده بودند و نیروهای پیاده نظام امریکایی در آنها قرار داشتند تا به قایقهای نفربر بروند. بعضی از آنها قبلاً در سواحل آفریقای شمالی و سیسیل پیاده شده بودند. برای عملیات «اورلرد» هریک چهارماه تعلیم دیدند و چهارصد بار آن را تکرار کردند.

به محض ترک بندر فرماندهان پاکت محرمانه را که مهر وموم شده بود باز کردند و تازه متوجه شدند نوشته است ساحل «اوماها» در نرماندی.